

حرمت غنادر اسلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۱- محسنین کسانی هستند که بر پا دارنده نمازند.
 - ۲- محسنین زکات مال خود را می پردازند.
 - ۳- به عالم آخرت باور دارند و معاد را اذعان و اعتقاد دارند.
 - ۴- روی پایه و اساس هدایت الله حرکت می کنند.
 - ۵- تربیت یافتگان از سوی پروردگار عالمیان اند.
 - ۶- آنان هدف اصلی را دریافته اند، لذا پس از این عالم، از عذاب رهایی یافته و به آن هدف اصلی کامیاب خواهند شد.
- این آیه ها احکام اعتقادی و معارف کلی را روشن می کند یعنی مطالبی که باید فکر بفهمد و درک کند و عمل در آن نیست. ولی آیه ششم - که اکنون مورد بحث ما است - یک مسئله فرعی و عملی است.

● لهوالحدیث چیست و حکم آن چه می باشد؟

مفسرین لهوالحدیث را به غنا تفسیر کرده اند. و غنا در اسلام از محرّمات است. و در همین رابطه موسیقی و آلات لهو و لعب نیز جزء محرّمات شمرده می شود.

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آیه ۶، سوره لقمان).

از میان مردم افرادی هستند که سخنهاى باطل را می خرند و در نتیجه سبب گمراه شدن مردم می شوند و خود به این مطلب توجه ندارند، آنان راه خدا را به مسخره گرفته اند و همانا برای آنها عذابی خوارکننده مهیا است.

این آیه شریفه مربوط به یک مسئله کثیرالابتلا به نام «غنا» و حرام بودن آن است.

قبل از تفسیر و ترجمه این آیه، نکته ای را در رابطه با پنج آیه ای که تفسیر شده است تذکر می دهم:

آیه اول رمزی بود و چندان بحثی در باره آن نتوانستیم بکنیم. دو آیه بعد از آن، در باره قرآن و تمجید و تجلیل از آن بود که چهار نام برای قرآن بیان فرموده بود، و دو آیه بعد از آن اشاره به پذیرا شدگان و محسنین بود که برای محسنین ۶ صفت بیان می داشت:

لهو و لعب و رقص باشد، غنا و حرام است. ولذا می بینیم مرحوم آسید ابوالحسن اصفهانی در کتاب وسیله النجاه می فرماید:

«الغناء هو الصوت المطرب، فيه ترجیع واطرائب یناسب مجالس اللعب وآلات اللّهُو».

غنا عبارت از صدای خوبی است که زیر و بم داشته باشد و انسان را تحریک نماید و مناسب مجالس لهو و لعب و آلات قمار باشد. و مصداق این را هر کس می تواند در خارج پیدا کند. اجمالاً بعضی از صوتها که خواننده ها می خوانند و کشش دارد از این قبیل است. تصنیف هم از این قبیل است گرچه این صفت را هم نداشته باشد و آن تصنیف ها که سابقاً خوانده می شده و بحمدالله الآن رسانه های گروهی ما از اغلب آنها منزّه و پاک است غنا حساب می شود.

◎ غنا در روایات

پس غنا با این شرایط - که ذکر شد- در شرع حرام است و از نظر اسلام عمل بسیار بد و زشتی شمرده شده است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الغنا عشق النفاق»^۱ غنا لانه نفاق است.

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام می فرماید:

خانه ای که در آنجا این عمل انجام می گیرد و اهل خانه عادت به ساز و نواز و امثال آن دارند، به این خانه وارد نشوید زیرا خداوند از صاحب آن خانه خوشش نمی آید و اعراض کرده است.

مردی به حضور امام صادق علیه السلام رسید، عرض کرد: جانم فدایت! یکی از همسایگان من دارای جاریه ها و کنیزک هائی است که برای او آواز می خوانند و بر عود می کوبند. (من با اینکه میل ندارم به آنها گوش دهم) ولی گاهی که برای رفع حاجت به مستراح می روم، صدای آنها را از پشت دیوار می شنوم، لذا مقداری بیشتر در آنجا معطل می شوم و تا اندازه ای آواز آنها را گوش می دهم.

حضرت در پاسخ فرمود: این کار را نکن.

آن مرد گفت: من با پایم دنبال این کار نمی روم، فقط با گوشه ایام می شنوم!!

حضرت فرمود: وای بر تو! نشنیدی سخن خدای تعالی را که فرمود: «ان السمع والبصر والفؤاد کلّ اولئک کان عنه منسولاً» همانا گوش و چشم و قلب، هریک منسول کار خود هستند (و در روز قیامت، گناه هائی که توسط آنها انجام پذیرفته است، بازگو می کنند) آری! در آنجا از گوش سؤال می شود که چه شنیده و از چشم که چه دیده و از قلب که چه طرح ریزی کرده است.



آیه الله مشکینی

غنا در لغت، صوتی را گویند که از حنجره و حلقوم انسان در بیاید. و غنای اصطلاحی که در شرع اسلام حرام است، عبارت از این است که صوت نیکو و خوشی از حلقوم انسانی بیرون آید و دارای سه شرط باشد.

شرط اول - صوت خوبی که زیر و بم داشته باشد یعنی صوتی که قطع بخورد و به تعبیر ساده تر چهجه در آن باشد.

شرط دوم - مستمع را از حالت عادی در آورد و ایجاد نشاط و سرور در او بکند با حالت غصه و اندوه فراوان در او ایجاد نماید که ناخودآگاه اشکش سرازیر شود.

شرط سوم - و این مهمترین شرط است. شنونده بگوید: این صدا، صدای مجالس رقص و دانس می باشد. یعنی معمولاً چنان غنائی با رقص و عرق و ورق و... همراه است.

بنابراین، هر صدای خوش و آوای نیکوئی حرام نیست، بلکه گاهی در روایات تصریح شده است که قرآن را - مثلاً - با صوت حسن (صدای خوب) بخوانید و حتی در باره نماز های یومیه نیز فقها نوشته اند که آن را با آوای زیبایی که برای قلب تولید حزن کنند، بخوانید. ولی اگر صدای خوبی که دارای زیر و بم باشد و در انسان تولید رقت و سرور یا غم و اندوه کند و مناسب مجالس

آن مرد گفت: گویا تا کنون از هیچ عجم و عربی این آیه را از کتاب خداوند نشنیده‌ام، اگر نه این کار را ترک می‌کردم. و من امروز استغفار و طلب آمرزش می‌کنم.

حضرت فرمود: اذهب فاغتسل وصلِّ مابداً، فلقد كنت مقبلاً على أمر عظيم. ما كان أسوء حالك لو كنت متَّ على هذا! استغفر الله واسأل الله التوبة من كلِّ ما بكرة، فإنه لا بكرة الا القبيح، والقبيح دعه لأهله، فإن لكل قبيح أهلاً»^۲.

برو غسل کن و از آنچه بر تو گذشته است نماز بگذار چرا که مرتکب امر بزرگی (گناه بزرگی) شده بودی. چقدر بدبخت می‌شدی اگر در آن حال مرگت فرا می‌رسید. هان! استغفار کن و از خداوند طلب آمرزش کن نسبت به هر چه که آن را بدو مکروه می‌داند چرا که خداوند بد و مکروه نمی‌داند مگر کارهای قبیح و زشت را! و تو کار قبیح را برای اهلت و گذار زیرا هر کار قبیحی، اهلی دارد.

آری! چقدر بد است که مسلمان در حال گناه، آن هم گناهان کبیره از دنیا برود! زیرا هر کس در هر حالی از دنیا برود، وقتی که برای حساب در محکمه عدل الهی حاضر می‌شود، همان حال گناهش را مجسم می‌کنند. در روایت دارد: انسانی که شراب خورده و مست شده و اتفاقاً در همان حال مرده است، روز قیامت که برای حساب وارد صحرای محشر می‌شود، با حال مستی به حضور پیامبر گرامی «ص» می‌رسد و همه به او نگاه می‌کنند.

در هر صورت، غنا از نظر موضوعش تا اندازه‌ای روشن شد: غنا صوتی است که از حلقوم انسان در می‌آید نه آن صوتی که توسط آلات لهو در می‌آید. که آن حساب جداگانه‌ای دارد. و دارای سه شرط است که اگر هر سه شرط محقق شد، حرام می‌شود.

● خریدن غنا

حال به آیه بپردازیم: در آیه می‌فرماید: از مردم کسانی هستند که گفتار باطل و لهو (غنا) را می‌خرند برای اینکه مردم را گمراه کنند. اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه ممکن است غنا خریدنی باشد؟! البته هیچ لزومی ندارد که برای خریدن هر چیز، بازاری و مغازه‌ای معین شود؛ بلکه هر چه در قبال آن پول داده شود، قابل خریدن است یعنی همین که خواننده و آوازخوانی در برابر کاری که انجام می‌دهد، پولی دریافت می‌کند، این پول در قبال خریدن غنا است؛ پس رژیم گذشته که اینقدر پول این ملت را شبانه روز به آن زنها و مردهای خواننده

می‌داد و آنها در مقابل کاری جز آواز خواندن و مردم را به طرب آوردن و از راه خدا دور کردن نداشتند، در حقیقت آن رژیم مصداق بارز کسی بود که لهو الحدیث را می‌خرد. «لیضل عن سبیل الله» تا مردم را از راه خدا منحرف نماید.

سبیل الله یعنی راه‌های هدایت الله و کسی که انسان را از راه خدا و سبیل الله منحرف می‌سازد و گمراه می‌کند، یعنی راه‌های هدایت الله را بر روی انسان می‌بندد، پس باید از او دوری جست.

همانگونه که قبلاً ذکر شد، خداوند سه نوع هدایت برای مردم دارد.

- ۱ - هدایت در بُعد اعتقادی - خداوند مردم را از نظر فکری به عقاید درست هدایت می‌کند.
- ۲ - هدایت در بُعد اخلاقی - از نظر اخلاق نیز خداوند بشر را به سوی صفات حسنه و نیکوراهنمائی می‌کند.
- ۳ - هدایت در بُعد عملی - خداوند بشر را در بُعد عملی نیز به سوی اعمال صالحه و کردارهای نیک رهنمون می‌سازد و هدایت می‌کند.

● انحراف از راه خدا

بنابراین، گمراهی و انحراف نیز سه نوع است:

- ۱ - گمراهی در بُعد فکری - مانند گروه‌های باطل که فکرشان منحرف است.
- ۲ - گمراهی در بُعد اخلاقی - برخی با اینکه مسلمان هستند ولی از نظر اخلاقی، انحراف دارند مانند جبن، بخل، تکبر، خودخواهی، قساوت قلب و...
- ۳ - گمراهی در بُعد عملی - ممکن است افرادی پیدا شوند که از نظر عقائدی و فکری، انحرافی ندارند و اخلاقشان هم انحراف ندارد ولی عملشان بد است. عمل بد مانند خوردن حرام، نگاه به نامحرم، دروغ گفتن و...

آیه شریفه می‌فرماید: عده‌ای برای غنا و آواز خوانی پول می‌پردازند تا مردم را از سبیل پروردگار و راه حق منحرف سازند. و در حقیقت غنا انسان را از هر سه مسیر هدایت، منحرف و گمراه می‌سازد یعنی از اول مسیر عمل را منحرف می‌کند، آنگاه اخلاق منحرف می‌شود و به تدریج انسان را به اوامر و دستورهای خداوند بی‌تفاوت و در نتیجه بی‌اعتقاد می‌نماید و این بسیار خطرناک است.

● مصادیق دیگر لهوالحدیث

سخن لهوی که آن را می‌خرند و یکی از مصادیقش همانگونه که بیان شد غنا است؛ آیا غیر از غنا مصادیق دیگری دارد یا نه؟

مصادیق دیگر در رابطه با خود غنا است، یعنی نه تنها استخدام خواننده کردن و پول برای آوازخوانی دادن حرام است - بلکه آن کسانی که استماع می‌کنند و گوش به آوازخوانی می‌دهند نیز مرتکب حرام می‌شوند و آنها مصادیق دیگری برای خریداران لهوالحدیث هستند. و مصادیق دیگر خود خواننده است که با گرفتن پول، مردم را مشغول می‌کند و به طرب می‌آورد و در نتیجه، آنان را از ذکر خدا غافل کرده و منحرف می‌سازد. پس خواندن برای خواننده و شنیدن برای شنونده و پول دادن برای خریدار و استخدام کردن و برای استخدام شده پول گرفتن، تمام اینها حرام است و گناهی خوارکننده برای آنان تعیین شده است.

البته ممکن است مصادیق دیگری نیز داشته باشد که باید با مراجعه بیشتر به روایات معصومین آنها را دریافت زیرا قرآن دارای بطون است و تنها با بررسی و تحقیق پیرامون روایات مفسران واقعی قرآن، می‌توان به برخی از این بطون پی برد.

● عذاب مهین

چرا در این آیه برای آنانکه لهوالحدیث را می‌خرند، عذاب دردناک و خوارکننده که بسیار وحشتناک است، در نظر گرفته شده؟

گاهی انسان یک گناه می‌کند که تنها خودش مرتکب آن گناه شده یعنی گناهی فردی است، پس در نامه اعمالش یک گناه نوشته می‌شود، اگر دو گناه کرد دو گناه نوشته می‌شود ولی یک وقت گناهی می‌کند که نه تنها به خودش ضرر می‌رساند بلکه در آن واحد ممکن است یک میلیون نفر را نیز به توسط گناه خویش، از راه حق منحرف سازد، این دیگر یک گناه نیست بلکه گناه بزرگی است که یک میلیون نفر را گمراه کرده است و لذا در نامه اعمالش هم یک گناه که گناه خواندن باشد ثبت می‌شود و هم یک میلیون گناه که گناه شنیدن شنوندگان باشد.

در روایت دارد: «مَنْ سَنَّ سُنَّةَ قَلْبِهِ فَلَهُ وَزُؤْمَنْ عَمِلَ بِهَا» هر که یک کار بد و یک سنت باطل را در میان مردم رواج دهد (و سبب شود که مردم گناه کنند) گناه هر کس را که به آن سنت باطل عمل کند، در نامه اعمالش می‌نویسند.

در ادامه همان روایت دارد: «وَمَنْ سَنَّ سُنَّةَ قَلْبِهِ فَلَهُ آجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا» و هر کس سنت خوبی در میان مردم رواج دهد، ثواب و پاداش هر کس که به آن سنت خوب عمل کند، برای او نیز هست. پس همانگونه که سنت بد و کار بد آنقدر دردناک و عذاب‌آور است که گناه تمام عمل کنندگان به آن، در نامه اعمال آن کس که چنان سنتی را رایج کرده می‌نویسند، در مقابل اگر کسی سنت خوبی را میان مردم تعمیم دهد، پاداش هر کس که به آن عمل کند، در نامه اعمالش می‌نویسند. بنابراین، معلمی که سرکلاس، نماز به شاگردان یاد دهد و اعمال نیک را به آنها بیاموزد، ثواب آن به عدد نمازهای شاگردان است و اگر یک خطیب و سخنگو، مردم را ارشاد کند، ثواب آنان را نیز خواهد داشت ولی اگر خدای نخواست یک معلم، یک خطیب یا هرفردی - هرچقدر که مسئولیتش بیشتر و تأثیر گفتارش زیادتر باشد - به همان اندازه که مردم را گمراه می‌کند، گناه گمراه شدگان را نیز در نامه اعمالش می‌نویسند و البته این بدان معنی نیست که گناه گنهکاران را فقط آن شخص بدوش می‌کشد.

بلکه هر کس در گرو اعمال خویش است، پس اگر شما خدای نخواست - به آواز طرب‌آور یک رقاصه آوازخوان گوش دادید، آن عذاب دردناک دامن شما را نیز فرا خواهد گرفت.

در خاتمه بحث، به عنوان تذکر یادآور می‌شوم که دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی ابرجنایتکاران که آنقدر گزارش دروغ و آنقدر تهمت و افترا پخش می‌کنند و سبب گمراهی مردم می‌شوند و همچنین آن شایعه‌پراکن‌ها و منافقینی که برای نشر اکاذیب و وارونه اطلاع دادن مطالب و کوبیدن انقلاب، شایعه‌پراکنی می‌کنند و مردم را گمراه می‌نمایند و آن نشریه‌ها و اعلامیه‌های گمراه‌کننده که بر ضد اسلام و قرآن و انقلاب اسلامی مطلب می‌نویسند، بی‌گمان از مصادیق خریداران لهوالحدیث هستند و کسانی که از آنها پیروی کرده و بر سخن باطل آنان صحه گذاشته و در راه هموار کردن نشر اشاعه‌ها با آنان همراهی می‌کنند، خواه ناخواه شریک جرم و جزء خریداران لهوالحدیث هستند. خدا ما را از شر آنها نگاهدارد و گمراهان ما را از پیروی و تبعیت و دنباله‌روی از آن جنایتکاران و خیانتکاران، هدایت نماید.

ادامه دارد

۱ - روایت در کتاب علل الشرایع ج ۲ ص ۱۶۲ آمده و متن آن چنین است: «الغناء عتق النفاق والشراب مفتاح کل شر ومدمن الخمر کمابد یؤمن، مکتب بکتاب الله، لوصف کتاب الله لعزم حرام الله».

۲ - فقه الرضا ص ۳۸.